



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۱	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۰ / ۰۹
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	تفاوت رحمانیت و رحیمیت				
عنوان ۴	نظر مرحوم آقای خوئی رحمه الله پیرامون روایات				
عنوان ۵	انواع رحمت در نصوص اسلامی • ۱. رحمت مبتدئه و ابتدائی • ۲. رحمت غائیه • ۳. رحمت مکتوبه • ۴. رحمت اجابت • ۵. رحمت جزاء				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

در بحث گذشته، درباره دو کلمه «الرحمن» و «الرحیم» روایاتی را از معصومین علیهم السلام بیان کردیم؛ گفتیم در روایتی کلینی در «کافی» و مرحوم صدوق در «توحید» از امام صادق علیه السلام روایت می کنند که در ضمن آن فرمودند: «الرَّحْمَنُ بِجَمِیعِ خَلْقِهِ وَ الرَّحِیمُ بِالْمُؤْمِنِینَ خَاصَّةً»^۱. روایات دیگری هم در «تفسیر علی بن ابراهیم» و «مجمع البیان» از امام صادق علیه السلام با همین مضمون، نقل شده است.

نظر مرحوم آقای خوئی رحمه الله پیرامون روایات

مرحوم آقای خوئی رحمه الله می فرمایند این روایات چون با قرآن کریم، منافات دارند، باید از آنها دست برداریم؛ چون اینکه رحیم، خاص مؤمنین است و رحمن، عام است، در قرآن کریم، خلاف این مطلب را می یابیم و لذا باید به این روایات، عمل نکنیم و دست از آنها بکشیم. ایشان آیاتی را ذکر می کنند؛ از جمله قوله تعالی:

«... فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَحِيمٌ»^۲؛

۱. الکافی؛ کتاب التوحید، باب معانی الأسماء و اشتقاقها، ح ۱؛ التوحید (للصدوق)؛ ص ۲۳۰.

۲. سوره ابراهیم: ۳۶.

ایشان از «وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» استفاده کرده اند که غفور رحیم بالعصاة؛ پس مخصوص مؤمنین نیست. آیه دیگر، چنین است:

«نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱؛

که درباره مطلق عباد فرموده: غفور رحیم هستم نه أنا الرحیم بخصوص المؤمنین.

«... إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ»^۲؛

که ناس را مطرح کرده است.

«رَبُّكُمْ الَّذِي يُزِيحُ لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»^۳؛

که این آیه هم عام است.

«لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»^۴؛

یعنی حتی به منافقین هم می تواند رحیم باشد.

هم چنین می فرمایند در برخی ادعیه می خوانیم: «يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا»^۵ که هم رحمان، رحمان دنیا و آخرت، معرفی شده و هم رحیم، رحیم دنیا و آخرت، نه فقط رحیم به مؤمنین. برخی از مفسرین فرموده اند و شاید در برخی روایات، چنین مضمونی آمده که از آنها استفاده می شود رحیم یعنی رحیم فی الآخرة بالمؤمنین^۶.

رد نظر مرحوم آقای خوئی رحمته الله

این اشکال مرحوم آقای خوئی به هیچ وجه، وارد نیست و بین این آیات و بین روایاتی که خواندیم، هیچ منافاتی وجود ندارد؛ چون اینکه «بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» باشد یا بالعصاة رحیم باشد، یعنی اگر توبه کردند، به آنان رحیم خواهد شد و اگر ایمان آوردند هم به آنان رحیم خواهد بود. رحیم است یعنی بشرط الإیمان، رحیم است و درب ایمان و توبه برای همه باز است و فتح باب توبه بر همه کرده است:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۷؛

آری، درب توبه بر همه باز است و اگر توبه کنند، مشمول رحمت رحیمیه الهی می گردند. رحمت رحیمیه، مخصوص به مؤمنین است؛ ولی معنایش این نیست که غیرمؤمنین به طور کلی از آن محرومند. رحمت رحیمیه شامل آنها می شود اگر ایمان بیاورند؛ پس ایمان آورند تا مشمول رحمت رحیمیه حق گردند. یا اگر عصاتند، از معصیت خودشان توبه کنند

۱. سوره حجر: ۴۹.

۲. سوره بقره: ۱۴۳؛ سوره حج: ۶۵.

۳. سوره اسراء: ۶۶.

۴. سوره احزاب: ۲۴.

۵. الإقبال بالأعمال الحسنة؛ ج ۱، ص ۲۵۶.

۶. ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن؛ ص ۴۳۲.

۷. سوره زمر: ۵۳.

تا مشمول این رحمت گردند. شاهدش هم این است که می فرماید: «غفوراً رحیماً» یا «غفور رحیم». غفور یعنی اگر توبه کنید، می پذیرد ولی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ...﴾^۱

کسی که به خدا شرک می ورزد، در برابر خدا تمرد می کند، پس خدا نمی تواند به او رحیم باشد. خب تمرد نکند تا خدا هم به او رحیم باشد.

ما یک رحمت رحمانیه داریم و یک رحمت رحیمیه. آری، رحمت رحمانیه، عام است و شامل همگان می شود؛ حتی کسی که توبه نمی کند یا معصیت می ورزد و در حال معصیت است و حتی ابلیس رحیم. اما یک رحمت رحیمیه داریم که مخصوص کسی است که دعوت خدا را اجابت کند؛ چنان که فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾^۲

وقتی که اجابت این دعوت شد، اینجاست که رحمت رحیمیه شامل حال بندگان خواهد شد.

انواع رحمت در نصوص اسلامی

ما برای اینکه مطلب روشن شود و بحث، بازتر گردد، باید بیشتر به مسأله رحمت بپردازیم. به تفصیل بیان خواهیم کرد و باید بیان کنیم که رحمت در قرآن کریم و همچنین در روایات ما اقسامی دارد که بعضی از آنها رحمت شامل و عام است و برخی از آنها مخصوص بندگان خاص مؤمن. در قرآن کریم، شاهد دو گونه تعبیر درباره رحمت هستیم:

۱. گاهی می خوانیم که «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۳؛

۲. گاهی درباره همین رحمت عام می فرماید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ»^۴.

این دیگر حرف ما نیست؛ بلکه خود خداست که می فرماید یک رحمت داریم که «وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» و رحمتی هم داریم که در عین عمومیتش «فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...» برای اناس خاص با این خصوصیت، می نویسیم که همان رحمت رحیمی است. ولی این مطلب، تفسیری دارد که باید بیان گردد.

براساس تتبعی که در قرآن کریم و روایات کرده ایم، به پنج قسم رحمت رسیده ایم که این اقسام خمسۀ رحمت، بعضی هاشان رحمت رحمانیه اند و برخی هایشان رحمت رحیمی؛ یعنی برخی از آنها خاص به مؤمنین هستند که از مصادیق رحمت رحیمی به شمار می روند و برخی، خاص به مؤمنین نیستند؛ بلکه عام و تحت عنوان رحمت رحمانیه می شوند.

این را هم عرض کردیم و تأکید می کنیم که این دو، یک رحمت است نه اینکه خدا دو قسم رحمت داشته باشد و اگر ما چنین تعبیر می کنیم، به لحاظ متعلق رحمت است. خدا یک رحمت دارد و در سیر صدورش آن را برای همه

۱. سوره نساء: ۴۸ و ۱۱۶.

۲. سوره انفال: ۲۴.

۳. سوره اعراف: ۱۵۶.

۴. این همان آیه فوق است. مراد معظم له رحمته الله برای من روشن نیست. [مقرر].

می‌فرستد؛ اما بعد، بندگان را فرا می‌خواند و می‌گوید به سوی من باز گردید. کسانی که به سوی او باز می‌گردند، اگر بازگشتشان همراه با اجابت دعوت الهی و خضوع برای او باشد، مشمول رحمت رحیمی و رجوعشان رجوع وفدی است و همان رحمت رحمانی در اینجا به رحمت رحیمی، تبدیل می‌گردد؛ اما اگر رجوعشان بد بود و پشت به خدا برگشتند، همان رحمت رحمانیه ادامه می‌یابد منتها تبدیل به عذاب می‌شود و این افراد، دیگر مشمول رحمت خاصی الهی نیستند و لذا عبارت قرآن درباره این رحمت خاصه، «فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ» است. مثلاً می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ...»^۱. این رحمت، یک رحمت است و یک رحمت هم همان است که می‌فرماید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» و این دیگر فسیدخلهم در آن رحمت نیست.

انواع رحمت در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام را توضیح می‌دهیم، منتها در این جلسه، به عناوینشان اکتفا می‌کنیم و در جلسات آینده به توضیح آنها می‌پردازیم:

۱. رحمت مبتدئه و ابتدائی

یعنی رحمتی که نه طلب و نه استحقاق، شرط آن است، بلکه فیض عام الهی است؛ مثل رحمت وجود. فیض وجود الهی مبتنی بر طلب و استحقاق نیست؛ یعنی شخص کاری نکرده که استحقاق آن را داشته باشد و مزد او نیست؛ بلکه همین که قابلیت تلقی این فیض الهی را داشته، این فیض همانند باران بر او خواهد ریخت. این فیض مانند بارانی است که بر همه ممکناتی که تمکن از تلقی این رحمت را دارند، فرو می‌ریزد.

۲. رحمت غائیبه

علت نام‌گذاری این رحمت، این است که غایت مطلوب همه بندگان خداست. غایت بالایی است که بزرگان دین و انبیای الهی از خدا می‌خواستند؛ مثلاً در قرآن کریم درباره موسی و هارون علیهم السلام می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۲؛

این دو پیامبر الهی از او درخواست ادخال در رحمت خدا را می‌کنند. درخواست پیامبران دخول در این رحمت الهی است؛ چنان که فرموده: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيَدْخُلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا». این یک رحمت خاصه است که غایت حرکت موجودات، محسوب می‌شود. موجوداتی که به این رحمت، دست یابند، به سعادت قصوی رسیده‌اند.

۳. رحمت مکتوبه

خدا در قرآن می‌فرماید: «كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ»^۳ که این رحمت مکتوبه را هم به دو قسم تقسیم می‌کنیم:

- رحمت مکتوبه قبلی؛
- رحمت مکتوبه بعدی.

۱. سوره نساء: ۱۷۵.

۲. سوره اعراف: ۱۵۱.

۳. سوره انعام: ۵۴. و در سوره انعام: ۱۲ می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ».

یعنی یک جا می فرماید: «كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ» و «كُتِبَ» با صیغه ماضی به کار رفته که از آن به رحمت مکتوبه قبلی، تعبیر می کنیم.

در یک جا هم می فرماید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ». این «فَسَأَكْتُبُهَا» با «كُتِبَ رَبُّكُمْ» تفاوت دارد؛ چون یک رحمت است که «کتبها» و یک رحمت است که «سیکتبها».

۴. رحمت اجابت

کسانی که دعا کنند، خدا دعای آنها را اجابت می کند؛ چنان که خود فرموده: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ و این کان کافرا و این کان فاسقا. اگر واقعاً کافر هم با اخلاص، نیازش را به خدا عرضه کند، بی جوابش نمی گذارد. فاسق هم اگر با اخلاص، دعا و از خدا طلب کند، پاسخش را می دهد.

پرسشگر: ...

معظم له: ما منافاتی بین خاص بودن رحمت رحمی با این آیات نمی بینیم. می گوید: «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛ یعنی اگر آنها توبه کنند، خدا رحمت رحیمیه اش را شامل حالشان می کند.

پرسشگر: ...

معظم له: دست ما نیست. باید ببینیم خدا چه فرموده است. باید بحث کنیم که در قرآن کریم، چه فرموده است. در آیه «... كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً جِهَالَةً ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ این رحمت، رحمت توبه است که بحث خواهیم کرد و با لفظ «كُتِبَ» بیان شده.

۵. رحمت جزاء

رحمة الجزاء، این است که اگر کسی کار خوب بکند، خدا او را بی پاداش نمی گذارد: «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»^۳ حتی اگر کافر باشد. کافر هم اگر کار خوب بکند، بی پاداش نمی ماند؛ منتها غالباً پاداش کافر، در همین دنیا داده می شود و البته گاهی در دنیای دیگر، عطا می گردد؛ یعنی اعمال صالحه ای داریم که حتی اگر از کافر هم صادر شود، خدا در آن عالم نیز اجر و مزدی برایش قائل است. این یک امر عجیب است؛ مثل خلق حسن. کافری که اخلاصش خوب باشد، خدا در عالم دیگر هم اجر و مزدی به او می دهد؛ منتها در کارهای معمولی، هرکس کار خیری کند، چه کافر باشد چه مؤمن، در این عالم، پاداش می بیند. در بین مردم هم معروف است که می گویند «دنیا، دار مکافات است»؛ یعنی دار مجازات است؛ یعنی هرکس هرچه بکارد، درو می کند. این همان قاعده رحمة الجزاء است که توضیح خواهیم داد.

و صلَّى الله على محمد وآله الطاهرين

۱. سورة غافر: ۶۰.

۲. سورة انعام: ۵۴.

۳. سورة كهف: ۳۰. و در سورة آل عمران: ۱۷۱: «أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و در سورة توبه: ۱۲۰: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ».